بسم الله الرحمن الرحیم[[1]](#footnote-1)

در تنبیه دوم اشاره کردیم که بعد از اینکه تنجز علم اجمالی و تکلیف آوری اش ثابت شد، مواردی هست با اینکه علم اجمالی هست، لکن منجز نیست این علم اجمالی، تکلیف برای ما نمی‌آورد، این موارد که مستثنیات تنجز علم اجمالی است، باید مورد بحث قرار بگیرد، اولین موردش که در تنبیه دوم ما اشاره کردیم، گفته شده، اگر شبهه غیر محصوره باشد، فعلا اگر اطراف علم اجمالی فراوان باشد، علم اجمالی منجز تکلیف نیست و لازم نیست احتیاط کند، اولین مطلب این بود که شبهه غیر محصوره ضابطش چیست، چه قاعده ای دارد؟

دو ضابط رو اشاره کردیم و قبول نکردیم.

**ضابط سوم:** جمعی از اصولیین می‌گویند ضابط محصوره و غیر محصوره بودن، صدق عرفی است، این را که اصولی و فقیه نباید مشخص کند، ما باید به عرف مراجعه کنیم، هرجا عرف گفت شبهه غیر محصوره است ما می‌گویم غیر محصوره است، بنابراین ملاک صدق عرفی است، عرض می‌کنیم این ضابطه هم در اینجا به نظر ما قابل قبول نیست.

**توضیح مطلب:** اینکه مراجعه به عرف و تشیخص ظهور عرفی در مواردی است که یک کلمه یا یک اصطلاحی در نصوص شرعی وارد شده است، حکمی به او تعلق گرفته است، ما به عرف مراجعه می‌کنیم برای تشخیص معنای این کلمه عند العرف، ظهور در چه معنایی دارد، مثلا «*فی المعدن الخمس*»، ظهور عرفی معدن چیست؟ «فی الوطن تتم الصلاة»، وطن یعنی چی؟ «تیمموا صعیدا»، صعید یعنی چی؟ این باید ظهور عرفی رو پیدا کنیم، یکی از طرق هم کتب لغت است، کتب لغت می‌تواند ظهور عرفی را به ما نشان دهد، حالا با آن ضوابطی که در حجیت قول لغوی گفتیم.

لکن دقت کنید در ما نحن فیه در هیچ دلیل شرعی وارد نشده، «احتط لشبهه المحصوره و لاتحتط فی الشبهه الغیر المحصوره» همچین چیزی نیست. بلکه آنچه که اینجا هست این است که اصولیین می‌گوییند تنجز علم اجمالی، شرائطی دارد، ارکان و موانعی دارد، یکی از موانع تنجز علم اجمالی، عدم حصر شبهه است، ما باید ببینم مقصود آقایان چیست؟ اینکه عدم حصر شبهه مانع از تنجز علم اجمالی است، این عندهم یعنی چه؟ مقصود آنها چیست؟

لذا تمسک به ظهور عرفی اینجا کارساز نیست، بنابراین این تعرف سوم قابل قبول نیست. البته محقق خوئی در مصباح الاصول جزء دوم، ص 373 به این تعریف یک اشکالی کرده اند که ما اشکال محقق خوئی را وارد نمی‌دانیم، ایشان فرموده اند، در امور متأصله، امور اصلی که در خارج وجود دارند، مثل بقر و غنم و انسان، عرف می تواند هویت و معنای اینها را تشخیص بدهد و بفهمد، اما اموری که از اموری اضافی نسبی، اعتباری و انتزاعی هستند، نسبت به افراد مختلف متفاوتند عرف نمی تواند ملاک در اینها، ملاک چیستی اینها و هویت اینها را تشخیص بدهد، لذا این غیر محصوره بودن از امور متأصل خارجی نیست، لذا عرف نمی‌تواند آنها را تشخص بدهد. این بیان محقق خوئی قابل قبول نیست اموری که به تعبیر ایشان غیر متأصله هستند بر دو قسم هستند، برخی از امور امور دقی فلسفی هستند که تشخیص هویت آنها توسط عرف عام مشکل است، اما برخی از امور غیر متأصله امور اعتباری و انتزاعی و نسبی با اینکه متأصله نیستند عرف آنها را کاملا تشخیص می‌دهد. منها ملکیت، مگر ملکیت از امور متأصله خارجیه است؟ نیست ولی عرف تشخیصش می‌دهد ، عدم حصر شبهه هم از این امور است، اگر این عنوان در دلیل شرعی وارد شده بود، به عرف مراجعه میک‌نیم کجا شبهه را محصوره می‌دانید و کجا غیر محصوره، لذا این اشکال محقق خوئی وارد نیست.

**تعریف چهارم:** این تعاریف که ذکر می‌کنیم به جهاتی موضح آن معنایی است که می‌خواهیم بگوییم، کاملا روشن می‌کند جهات بحث را، لذا خوب است گفته بشود.

**ضابطه چهارم،** ضابطه است که مرحوم نائینی در اجود ج2 ص 275 بیان می‌کند، یک ضابطه قبلا گفتیم دوباره این ضابطه را بیان میکنند. می‌فرمایند غیر محصوره ما بلغ کثرت الاطراف بحد لا یمکن جمعها فی الاستعمال ولو فرض قدرته علی الرتکاب کل واحد منها[[2]](#footnote-2) غیرمحصوره آن شبهه ای است که جمع اینها ممکن نباشد و ارتکابشون عرفا مشکل داشته باشد، مثال را ببیند علم اجمالی داریم یکی از این چهار ظرف نجس است، اینجا عادتا ارتکاب این چهار ظرف مشکلی ندارد، می‌تواند همان جا از هر چهار ظرف استفاده کند، از هر چهار مایع استفاده کند. اما گاهی آنقدر اطراف کثیره است که عرفا از همه‌ی اینها نمی‌توان استفاده کند، یکی از لبنیاتی های قم پنیر نجس دارد، خوب من عادتا از همه لبنیاتی‌های قوم نمی‌توانم استفاده کنم، لذا بهش می‌گوییم شبهه غیر محصوره.

دقت کنید هم محقق خوئی و هم حضرت امام ره به این ضابطه مرحوم نائینی اشکال کرده‌اند ولی به نظر ما اشکالات آقایون وارد نیست و اشکال سومی باید مطرح کرد.

**اشکال اول:** که از محقق خوئی است، ایشون می‌فرمایند این ضابطه شما برای شبهه غیر محصوره، شامل مواردی از شبهه محصوره می‌شود که نتوانیم بین اطراف جمع کنیم، مثال رو ببیند، زید نمی‌داند آیا نذر کرده غروب روز شنبه در حرم حضرت معصومه باشد یا در جمکران باشد، شبهه محصوره است ولی لایمکن الجمع بینهما، مگر می‌تواند انسان، غروب روز شنبه هم جمکران باشد هم حرم حضرت معصومه ، محقق خوئی می‌گوید طبق ضابطه مرحوم نائنی این شد غیر محصوره و حال اینکه یقینا غیر محصوره نیست، این اشکال تلمیذ به استادشون قطعا وارد نیست، یه قیدی مرحوم نائینی داشتند توجه به آن قید نشده است، عجیب است، مرحوم نائینی فرموند شبهه غیر محصوره، شبهه‌ای است که کثرت اطراف عادتا سبب بشود امکان جمع نباشد، زیادی اطراف سبب بشود عادتا امکان جمع نباشد، اینجا کثرت اطراف نیست محذور عقلی دیگر است. یک وجود نمی تواند دریک زمان در دو مکان باشد. لذا بله ممکن نیست که زید غروب روز شنبه هم جمکران باشد هم حرم حضرت معصومه. این نه به خاطر کثر اطراف است. به جهت آخر است، ایشون که نفرموند شبهه غیر محصوره شبهه ای است که امکان جمع نباشد بین اطراف، فرمودن کثرت افراد باعث می‌شود امکان جمع نباشد، چون پانصد تا است امکان جمع نیست، لذا اشکال محقق خوئی به استادشون وارد نیست.

**اشکال دوم:**

اشکال دومی رو هم محقق خوئی دارند و هم از کلمات امام در تهذیب الاصول[[3]](#footnote-3) استفاده می‌شود، می‌گویند عدم تمکن جمع آقای نائیئی عدم تمکن جمع است دفعتا یا تدریجا، اینکه می‌گوید عادتا جمع ممکن نیست، دفعتا جمع ممکن نیست، اگر دفعتا باشد، در بسیاری از شبهات محصوره هم دفعتا ممکن نیست، پس باید بشود غیر محصوره، ده تا ظرف ماست است اینجا علم اجمالی داره یکی نجس است، مگر دفعتا جمع ممکن است، همه را ظرفها را بخورد، پس طبق ملاک شما شد غیر محصوره و حال اینکه یقینا محصوره است. و اگر مقصود این است که جمع بین الاطراف تدریجا ممکن نیست ما خیلی از شبهات غیر محصوره داریم جمع بین اطراف تدریجا ممکن است و قطعا شبهه غیر محصوره است، علم اجمالی دارد که یکی از لبنیاتی های قم پنیر نجس دارد، خوب تدریجا جمع بین همه ممکن است، امروز از یکی فردا از یکی، ظرف دو ماه سه ماه جمع بین اطراف می‌کند، پس اگر تدریحجا جمع بین اطراف ممکن نباشد، خیلی از شبههات غیر محصوره جمع بین اطرافش ممکن است، امام می فرماید این که ضابطه نشد.

به نظر ما این اشکال هم وارد نیست، به خاطر اینکه کلمات مرحوم نائینی را مراجعه کنید، یه قیدی دارند که مطلب رورشن می‌کند، لایمکن ان یستفاد منها عادتا، مراد امکان عقلی نیست که شما بگوید تمام لبنیاتی های قم را لیست میکند از روز اول فروردین از یکی یکی شروع می‌کند و استفاده می‌کند، شش ماه بعد می‌گوید ازهمه لبنیاتی ها استفاده کردم، مراد امکان عادی است، عادتا کسی که در شمال شهر تهران است، امکان عادی استفاده از مغازه های شهر را ندارد و آنی که در جنوب است نسبت به شما عادتا این است لذا لایمکن عدم امکان عقلی نیست عدم امکان عادی است، وقتی عدم امکان عادی بود، این مثال های شما عدم امکان عادی دارد، امکان عقلی است، لذا بازم شبهه می‌شود غیر محصوره و این اشکال هم به کلام مرحوم نائینی وارد نیست بله می‌شود به ضابطه ایشان اشکال سومی را مطرح کرد و آن شبهه کثیر در کثیر است.

مرحوم نائینی کما هو الحق شبهه کثیر در کثیر را شبهه محصوره می داند، علم اجمالی دارد پانصد ظرف از این دو هزار ظرف نجس است، یک چهارم، می‌شود شبهه کثیر در کثیر، شبهه محصوره است یجب الاجتناب عنه لکن ضابطه‌ی غیر محصوره مرحوم نائینی بر این شبهه محصوره قابل تطبیق است، لایکن الجمع بینها عادتا، لذا ضابطه مرحوم نائینی اشکال دارد ولی اشکالش ماده‌ی نقضش شبهه کثیر در کثیر است، نه آن نقض های محقق خوئی و حضرت امام و للکلام تتمه ادامه مباحث خواهد آمد.

1. . جلسه بیست و یکم –‌‌‌شنبه – 10/8/1399 [↑](#footnote-ref-1)
2. - اجود التقریرات، ج2 ص 272-273: ان عدم حصر الشبهة عبارة عن بلوغ كثرة الأطراف إلى حد لا يمكن للمكلف ارتكاب جميعها عادة و لو كان كل من الأطراف في محل الابتلاء و كان قابلا للارتكاب و عدمه ضرورة عدم الملازمة بين إمكان ارتكاب كل واحد من الأطراف في حد نفسه و إمكان ارتكاب الجميع‏. [↑](#footnote-ref-2)
3. - تهذيب الأصول، ج‏3، ص: 249: و فيه أمّا أوّلًا: فإنّ المراد من عدم التمكّن من الجمع في الاستعمال إن كان هو الجمع دفعة فيلزم أن يكون أكثر الشبهات المحصورة غير محصورة.و أمّا إن كان أعمّ منها و من التدريج- و لو في مدّة طويلة من سنين متمادية- فلا بدّ من تعيين ذلك الزمان الذي لا يمكن الجمع التدريجي بين الأطراف فيه، بل يلزم أن يكون أكثر الشبهات محصورة؛ إذ قلّما يتّفق أن لا يمكن الجمع بين الأطراف، و لو في ظرف سنين. فتكون الشبهة على هذا الضابط محصورة، و هذا ممّا لا يمكن الالتزام به. [↑](#footnote-ref-3)